

مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به انترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ www.ufuqnews.com



رو لا غنی: در ۹ ولایت متخصص نسایی-ولادی نداریم

محمد محقق: به مشکلات مهاجران رسیدگی می‌کنیم

ضرورت اعتماد به نسل جوانان

دویدن باعث بهبود حافظه می‌شود

تیری هانری اعلام باز نشستگی کرد

توافق‌نامه‌ی ایجاد یک خط آهن منطقه‌ای بین افغانستان و چهار کشور دیگر امضا شد

صفحه ۲

صفحه ۳

دولت وحدت ملی و پارادوکس تعریف دوست و دشمن خواسته‌های صلح و مبارزه با تروریسم نباید فراموش شود

شکی نیست که مردم افغانستان با امیدهای زیاد، به پای صندوق‌های رأی رفتند، مردم افغانستان چندین ماه با تحمل رنج گرسنگی و بی‌کاری و ناامنی، انتظار کشیدند تا معادله دولت جدید چگونه حل می‌شود و دولت جدید چه وعده‌هایی را به مردم می‌دهد. سرانجام این انتظار تلخ نیز به پایان رسید. از درون چندین ماه جنجال‌ها، حکومت وحدت ملی با شعار ترکیبی «تحول و اصلاحات» تشکیل شد. وعده‌ها و شعارها چه در طول کارزار انتخاباتی و چه در روزهای تشکیل دولت و ادای سوگند وفاداری، کم نبودند. سخنرانی پرشور محمد اشرف غنی در روز تحلیف، امیدواری‌های زیادی را خلق کرد. از آن پس، سرزدن به دفاتر امنیتی و پولیس و شعارهای «گلوکفان» صلح و مبارزه با تروریسم، مردم افغانستان را به آینده‌ی بهتر امیدوار ساخت. چنین فضایی...

صفحه ۴

غنی بازورمندان چگونه فساد را از بین می‌برد؟

زمانی که غنی نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ بود به رادیوی بی.بی.سی استرالیا گفت: «جنگ سالاران [افغانستان] مولود سیاست‌های اداره‌ی جورج بوش و ضعف [حامد کرزی] است. افغانستان کشوری نیست که آرزوی داشتن جنگ‌سالار را در دل داشته باشد.» غنی در آن انتخابات باخت و به «آقای سه درصد» مشهور شد؛ چون او از کل آرا فقط سه درصد به‌دست آورده بود.

او بار دیگر در انتخابات سال ۲۰۱۴ نامزد شد و سوگند خود را مبنی بر «گذار از سیاست زور» به «سیاست مبتنی بر عقلانیت» به منظور پایان بخشیدن به فساد و تفرق بر اساس واسطه و شبکه‌ی سیاسی تکرار کرد و گفت که حاکمیت قانون را تحقق خواهد بخشید. این بار او رئیس‌جمهور شد و فرصت دارد که دیدگاه‌هایش را عملی کند. او پیروز شد، اما تا حدودی برنده‌شدنش را مدیون زورمندان است که بدون پشتیبانی آنان در افغانستان کسی نمی‌تواند بالاتر از سه درصد رأی بیاورد.

حامیان عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی، که غنی با او حکومت وحدت ملی ساخت، اوضاع را پیچیده‌تر می‌سازند. این اوضاع غنی را بر سر دوراهی قرار می‌دهد. اگر او منصب‌های دولتی را به زورمندان اعطا نکند (در اکثر موارد آنان را در موقف‌هایی که قبلاً احراز کرده‌اند،...



چهار شنبه

۲۶ قوس

۱۳۹۳

سال سوم

شماره ۷۳۴

زین‌الدین

یادداشت روز

پاکستان و دست‌وپازدن در قعر آتش خودافروخته

محمد هادی صادقی

روز گذشته گروهی از مهاجمان انتحاری با هجوم بر یک مکتب در شهر پیشاور پاکستان، بیش از ۱۳۰ دانش‌آموز را که اکثراً زیر هجده سال بودند، کشتند و بر اساس گزارش‌ها، ۱۱۴ تن نیز زخمی شده‌اند.
طالبان پاکستانی با به عهده گرفتن مسئولیت این رویداد، گفته‌اند که این حمله را در انتقام از عملیات نظامی اخیر ارتش پاکستان در وزیرستان جنوبی انجام داده‌اند. این رویداد محکومیت گسترده‌ی بین‌المللی را به‌دنبال داشت. رهبران سیاسی و نظامی پاکستان، نخست‌وزیر هند، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی و رهبران کشورهای منطقه و جهان و سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری این حمله را نکوهش کرده‌اند. افکار عمومی پاکستان و جهان نیز علیه این رویداد برانگیخته شده و طالبان پاکستانی را نکوهش کرده‌اند.

هرچند این مکتب متعلق به ارتش پاکستان گفته شده؛ اما تمام قربانیان آن کودکان خردسال و بی‌گناه بوده‌اند. این مکتب و کودکانی که در این رویداد کشته و مجروح شده‌اند، هرگز به عنوان یک هدف جنگی قابل توجیه نیست. آن‌ها فقط کودکان زیر هجده سال و مثل میلیون‌ها کودک معصوم و بی‌گناه دیگر، مشغول آموزش و تعلیم بوده‌اند. از این‌رو، این عمل طالبان پاکستان از نظر حقوق بشری، آموزه‌های اسلامی و ارزش انسانی، محکوم است.

این رویداد ادامه‌ی تراژدی ترور و کشتار انسان‌های بیگناه در افغانستان و پاکستان می‌باشد. طالبان پاکستانی و افغانی سال‌ها است که در هردو سوی سرحد، همه‌روزه با انجام حملات مسلحانه و عملیات‌های انتحاری مردم بی‌گناه را دسته دسته کشته و مجروح می‌سازند. این تراژدی سال‌ها پیش شروع شده بود و هنوز هر روز با خلق فاجعه‌های تازه و کشتار مردم بی‌گناه ادامه می‌یابد.

عامل اصلی این تراژدی، سیاست‌مداران و نظامیان بدطبیت و فزون‌خواه پاکستانی می‌باشند. همان‌هایی که سال‌ها پیش افراط‌گرایی و تروریسم را به عنوان ابزار استراتژیک‌شان در برابر کشورهای منطقه انتخاب و با ایجاد پناهگاه‌ها و پرورش گاه‌های افراطیت و تروریسم در خاک‌شان، این پدیده را به منطقه صادر کردند. کشور و شهروندان پاکستانی امروز در آتشی می‌سوزند که چند سال پیش سیاست‌مداران‌شان آن را به عنوان کارت بازی در سیاست‌های منطقه‌ای برگزیده بودند.

تروریستانی که هر روز کودکان، زنان و مردان نظامی و غیرنظامی پاکستان را می‌کشند، فارغان پرورشگاه‌هایی هستند که سال‌ها پیش توسط آی‌اس‌آی ایجاد و تمویل می‌شدند. هرچند تعداد زیاد آن‌ها برای دهشت‌افگنی و جنگ با نیروهای امنیتی افغانستان به این‌سوی سرحد فرستاده می‌شوند؛ اما حرص این دیو مهارنشده، دامن شهروندان پاکستان را نیز می‌گیرد. تعداد زیاد پرورش‌گاه‌های افراطیت و شبکه‌های تروریسم در کنترل آی‌اس‌آی است که از آن‌ها در برابر افغانستان و هند استفاده می‌کند؛ اما سرانجام طالب و تروریسم برای همیشه در کنترل ارتش پاکستان نمی‌ماند و این دیو ره‌اشده و آتش آن دامن هردو کشور را می‌گیرد.

تروریسم و افراط‌گرایی مرز نمی‌شناسد و برای همیشه در کنترل آی‌اس‌آی باقی نمی‌مانند. به همین خاطر، آن‌ها در هردوسوی مرز، وقتی فرصت بیابند، از کشتن مردم ملکی و دهشت‌افگنی دریغ نمی‌ورزند. قربانیان پاکستان و افغانستان در برابر تروریسم و افراط‌گرایی یکی اند. تروریستان همان کودکان، زنان و مردان بی‌گناهی را که در افغانستان می‌کشند، در پاکستان نیز هدف قرار می‌دهند. همان تاکتیکی که در دهشت‌افگنی و کشتن مردم ملکی در افغانستان به‌کار می‌برند، در حمله بر جان شهروندان ملکی پاکستانی استفاده می‌نمایند. شهروندان پاکستان و افغانستان هردو قربانیان تروریسم و افراط‌گرایی هستند و سیاست‌مداران و نظامیان پاکستانی در شعله‌ور ساختن این آتش مقصر اصلی هستند.

اطلاعات روز: نمایندگان حکومتی پنج کشور، به‌شمول افغانستان، به‌تازگی برای ایجاد یک خط آهن به توافق رسیده‌اند. کشورهای افغانستان، چین، قرغیزستان، تاجیکستان و ایران در شهر دوشنبه تاجیکستان توافق کرده‌اند که مطالعات ایجاد یک خط آهن منطقه‌ای را در ۱۸ ماه دیگر تمام کنند.

نورگل منگل، سرپرست وزارت فواید عامه‌ی کشور دیروز در یک نشست خبری در کابل گفت که هفته‌ی پیش نمایندگان حکومتی این کشورها در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان، یک قرارداد را در این زمینه به امضا رساندند. به گفته‌ی او، بر اساس

این قرارداد، مطالعات تخنیکی و اقتصادی این خط آهن باید تا سرطان سال ۱۳۹۵ به پایان برسد. هزینه‌ی این پروژه از سوی بانک توسعه‌ی آسیایی، بانک جهانی و چین پرداخت می‌شود. ولی هنوز معلوم نیست که ایجاد این خط آهن چقدر هزینه برمی‌دارد. منگل گفت که این پروژه بخشی از راه تاریخی ابریشم را تشکیل داده و در حدود ۲۱۰۰ کیلومتر طول دارد که حدود ۱ هزار و ۱۵۰ کیلومتر آن از خاک کشور می‌گذرد.

عرض این خط آهن ۱۴۳ سانتی متر خواهد بود که بر اساس معیارهای بین‌المللی، استاندارد است. سرپرست وزارت فواید عامه گفت، این خط آهن

توافق‌نامه‌ی ایجاد یک خط آهن منطقه‌ای بین افغانستان و چهار کشور دیگر امضا شد

آن، از اهمیت زیادی برای این کشور برخوردار است. اما نبود امنیت مهم‌ترین مشکل در کشور عنوان می‌شود. سرپرست وزارت فواید عامه نیز گفت، اگر تدابیر امنیتی برای پروژه‌ی خط آهن روی دست گرفته نشود، پیش‌برد آن با چالش مواجه می‌شود. افغانستان در بین کشورهای جهان، دارای کمترین خط آهن است. قرار بود که ایران پروژه‌ی ساخت ۶۰ کیلومتر خط آهن از مرز این کشور تا ولسوالی غوریان هرات را تکمیل کند؛ اما به دلیل نامعلوم کار آن به تأخیر افتاده است. اما هیأت ایرانی در نشست دوشنبه وعده داده که این پروژه را به‌زودی تکمیل می‌کند.

رولا غنی: در ۹ ولایت متخصص نسایی–ولادی نداریم

باید سطح آگاهی مردم در این زمینه بلند برده شود. به‌دنبال آن، نسرین اورباخیل، رییس انجمن داکتران نسایی–ولادی گفت که دولت به بخش صحت توجه داشته باشد و بودجه‌ی کافی را به این بخش اختصاص بدهد.

او در ادامه ناامنی، مشکلات اقتصادی و کمبود متخصصان را از مشکلات اساسی داکتران نسایی–ولادی در کشور خواند و گفت که حکومت برای رفع این مشکلات نیز تلاش کند. این در حالی است که پیش‌تر وزارت صحت عامه‌ی کشور اعلام کرده بود که روزانه در هردو ساعت، یک مادر در زمان ولادت جان خود را از دست می‌دهد.

کابل، ۳۱ تن در مزار شریف، ۱۵ تن در جلال‌آباد، ۱۲ تن در شهر هرات و چهار تن دیگر آنان در شهر قندهار مصروف خدمت اند.

رولا غنی صحت‌مندی نوزادان و مادران را برای پیشرفت کشور مهم خواند و گفت که توجه به صحت آنان در اولویت کاری حکومت قرار دارد. او از انجمن داکتران نسایی–ولادی خواست که سطح آگاهی مردم را در زمینه‌های فاصله‌دهی میان ولادتها و میعاد تغذیه‌ی نوزادان با شیر مادر، بلند ببرد. او در اخیر ازدواج‌های زیر سن را از عوامل مرگ‌ومیر مادران و نوزادان در هنگام ولادت خواند و گفت که برای حل این مشکل

کشور بیش از هر زمانی تلاش کنند.

رولا غنی این اظهارات را دیروز در مراسم افتتاح هفتمین کنگره‌ی داکتران نسایی–ولادی افغانستان در کابل بیان کرد. او در این مراسم گفت که در بخش صحت و به‌ویژه در بخش صحت مادران و نوزادان در ۱۳ سال گذشته کارهای خوبی صورت گرفته، اما هنوز هم کمبود متخصصان نسایی–ولادی یک مشکل عمده است.

خانم غنی در بخش دیگر سخنانش افزود، در حال حاضر ۳۳۳ متخصص نسایی–ولادی در نظام صحنی مصروف خدمت اند که ۲۵۹ تن آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ۲۴۹ تن از این متخصصان در

محقق در ادامه گفت، بیش‌تر مهاجران افغان دچار امراض روانی اند: «آن‌ها سرچرخ اند، نمی‌فهمند که به کجا می‌روند، از کجا هستند و چه جایگاهی دارند. این تلخ‌ترین حالت است که ما احساس می‌کنیم که صدها هزار نفر با این مشکل روانی گرفتار اند». حکومت در حال حاضر نگران است که گروه‌های شورشی از مهاجران برای برهم زدن امنیت استفاده نکنند.

پیش‌تر نیز گزارش‌هایی به نشر رسیده بودند که گروه‌های تندرو از کمپ‌های مهاجران سربازگیری کرده‌اند. محقق دیروز برخی از مهاجران افغان را «مهاجران ناراضی» خطاب کرد و گفت که سبلی از جوانان ناراضی با عقده‌ی زیاد مهاجر شده‌اند؛ اما مخالفان و دشمنان افغانستان با استفاده از فرصت، از آن‌ها علیه خود ما استفاده کرده‌اند.

اما محقق در این زمینه از کدام گروه یا کشور

خاصی نام نگرفت. معاون رییس اجرایی این اظهارات را دیروز در مراسم روز جهانی مهاجرت زیر نام «همایش بین‌المللی پدیده‌ی مهاجرت» در کابل بیان کرد. در این نشست شماری از نمایندگان وزارت‌های کشور و نهادهای حقوق بشری داخلی و بین‌المللی نیز حضور داشتند. موسی محمودی، رییس اداری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در این مراسم از وضعیت زندگی مهاجران افغان ابراز نگرانی کرد و گفت که برخی آنان از حداقل حقوق قانونی خود برخوردار نیستند: «برخی مهاجران افغان از رسیدگی قانونی و حقوقی و قضایی بهره‌مند نیستند و هیچ‌گاه حق استیناف‌طلبی و حق مراجعه به محاکم را ندارند». بر اساس آمارهای ارائه شده، در حال حاضر بیش از پنج میلیون مهاجر افغان در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند. اکثر این مهاجران در ایران و

محمد محقق: به مشکلات مهاجران رسیدگی می‌کنیم

پاکستان به‌سر می‌برند. فضل احمد عظیمی، سرپرست وزارت مهاجران و عودت‌کنندگان در مراسم دیروز گفت که دولت و جامعه‌ی جهانی برای حل مشکلات مهاجران و برگشت آنان تلاش می‌کنند.

بوشاک، رییس کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در این مراسم گفت که در چند سال اخیر برگشت مهاجران افغان، بنابر نبود زمینه‌های اشتغال و مسکن، کاهش یافته است. او از حکومت جدید خواست تا زمینه‌ی بازگشت مهاجران افغان را مهیا نماید و زمینه‌ی بهتر اسکان، اشتغال و تأمین امنیت را برای آن‌ها مساعد سازد. او تعهد کرد که کمیشنری عالی سازمان مل در امور پناهندگان در قسمت بازگشت مهاجران افغان با حکومت افغانستان همکاری می‌کند.

اتحادیه‌ی اروپا خواهان اصلاحات سریع در نظام انتخاباتی شد

گذشته با تقبل گسترده برگزار شد و حال نگرانی وجود دارد که بدون اصلاحات در نظام انتخاباتی، انتخابات پارلمانی نیز با تقبل برگزار نشود. سران حکومت وحدت ملی در روزهای اول کاری‌شان اعلام کردند که در نظام انتخاباتی اصلاحات جدی را به‌وجود می‌آورند، اما هنوز در این زمینه اقدام عملی شده است.

جمهوری افغانستان، بر اساس توافق سیاسی اعلام شد. برمن در ادامه نحوه‌ی اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری را تأسفآور خواند؛ اما گفت که راه دیگری برای حل بن‌بست انتخاباتی در افغانستان وجود نداشت. او از نیروهای امنیتی در تأمین امنیت انتخابات ستایش کرد و گفت که آنان امنیت انتخابات را خوب تأمین کردند. انتخابات

نشوند و مورد پیگرد عدلی قرار نگیرند، انتخابات آینده نیز ملو از تقبل خواهد بود. برمن تأکید کرد که در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری تقبل گسترده صورت گرفت و میزان تقبل بیش‌تر از آن بود که در نتیجه‌ی بازشی آرا توسط کمیسیون انتخابات مطرح شد. او هم‌چنان افزود که نتایج نهایی دور دوم انتخابات ریاست

۱۶ هزار خانواده در ولایت‌های شمال و شمال‌شرق بیجا شده‌اند

فاریاب است.

او در ادامه تأکید کرد، هم‌اکنون عمده‌ترین توجه کمیشنری عالی سازمان ملل به مهاجرین موجود در ولایت خوست است. پس از عملیات نظامی پاکستان علیه طالبان در وزیرستان شمالی، هزاران خانواده‌ی این مناطق به ولایت‌های شرقی کشور، از جمله ولایت خوست مهاجر شدند. چندی پیش سازمان ملل و حکومت برای آنان کمک‌های مالی توزیع کردند.

عبیدالله عبید به عنوان سفیر جدید افغانستان در هالند مقرر شد

تقی خلیلی، پسر محمد کریم خلیلی پیش از این نیز به عنوان دیپلمات افغان در کشورهای خارج اجرائی وظیفه کرده است. عبیدالله عبید، سفیر جدید افغانستان در هالند نیز پیش از این در پست‌های مهم دولت حامد کرزی، از جمله به عنوان وزیر تحصیلات عالی و سفیر افغانستان در ایران کار کرده است.

عبیدالله عبید، نخستین کسانی اند که به عنوان نمایندگان سیاسی افغانستان در آذربایجان و هالند تعیین می‌شوند. مستعنی به بدخدی گفت، موافقت‌نامه‌ی کشورهای میزبان چندی پیش به وزارت خارجه‌ی کشور ارسال شد و اشرف غنی، رییس جمهوری کشور اعتمادنامه‌ی سفیران جدید را امضا کرده است.

مستعنی در ادامه افزود که تقی خلیلی، پسر محمد کریم خلیلی، معاون پیشین ریاست جمهوری، به عنوان سفیر جدید افغانستان در آذربایجان مقرر شده است. به گفته‌ی او، پسر کریم خلیلی به روز دوشنبه، ۲۳ قوس رسماً کارش را در باکو، پایتخت آذربایجان آغاز کرده است. پس از تشکیل حکومت جدید، تقی خلیلی و

خبرنگار وارانشی

هادی دریایی

مایحتاج سیاست

اول باید بدانیم، سیاست چیست تا مایحتاج آن را یکی یکی لیست کرده بتوانیم. همان‌گونه که هیچ چیزی تعریف واحدی ندارد، سیاست هم تعریف واحدی ندارد. یکتا از دانشمندان که نمی‌خواهد نامش فاش شود و در دانشکده‌ی علوم و حقوق سیاسی استاد بود و او را نصرالله استانکزی می‌گفتند، سیاست را یک رقم دیگر تعریف می‌کرد؛ اما من شخصاً معتقدم که سیاست عبارت از علمی است که طی آن یک نفر به قدرت می‌رسد و با هزار پدروالتی قدرت خویش را حفظ کرده و توسعه می‌دهد. شما می‌توانید تعریف خود را داشته باشید. کسی از یخن شما نمی‌گیرد. باید عرض کنم که تعریف من از سیاست، با توجه به رفتار و کنش سیاسی بعضی از سیاسیون وطنی خودمان می‌باشد. آن‌چه به عنوان مایحتاج سیاست کشف کرده‌ام نیز، متأثر از کنش سیاسی خرکشان دنیای سیاست است، نه روشنفکران تازه‌ظهور کرده که روزشان در قلیون‌خانه‌ها بیگانه می‌شود و شب‌ها تابلیت پنادول دو دانه می‌خورند.

۱- برای سیاست کردن و سیاسی شدن، حبالوطن به اندازه‌ی تقریباً دو برابر میزان مجموعی عقل بدن نیاز است. اگر میزان عقل بیش‌تر از احساس حبالوطنی باشد، نمی‌توان با استفاده از احساس حبالوطن به تحقیق مردم پرداخت.

۲- یک ادبیات مجهز به انواع فحش به زبان ملی از قبیل پدرلغت، ستاسو پر پلار او د پلار پر پلار لغت، بی‌ناموس، د خره زوی، وطن‌فروش، مزدور پاکستان، خاین او د امریکا بچی و متناقضی فحش‌های وطنی و انگلیسی‌چل که از قید قلم باقی مانده باشند.

۳- نزاکتاً یکی دو پاکت دستمال کاغذی یا چند انچ کاغذ تشناب ضروریست؛ چون احتمال این‌که مجبور شویم بیش از حد کف دهن باد کنیم، زیاد است.

۴- داشتن چند وجب ایمان در دایره‌ی خبیث سیاست، طوری که هرازگاهی نشان بدهد، چقدر مشتاق سفر حج هستیم و محبت اسلام عزیز را به‌دل داریم. مخصوصاً وقتی کاری می‌کنیم که همه می‌فهمند چه گندی زدیم، باید حتماً به حج برویم و استغفار نماییم.

۵- هنر خر کردن منتفذان و مقام‌های قدرت‌مند را حتماً باید بلد باشیم. وقتی از خر کردن مثلاً یک قوماندان جنگ‌سالار منتفذ، مطمئن شدیم، برای بالا بردن پایگاه اجتماعی او، کمی دالر و یورو باد کنیم.

۶- از ته دل ایمان داشتن به شعار «دل‌سوزی، کون‌سوزی است». بی‌رحمی مطلق سر فرصت.

۷- وقتی در جریان معاملات قرار می‌گیریم، باید خاطره‌های زدوبند را آرشیف کنیم. به‌طور مثال، وقتی آقای خرم احساس کرد که باید قلم را به‌دست بگیرد، چقدر قشنگ پدر و پدراکلان آقای لودین را چیز کرد. مچم خواندید یا نه؟

۸- چاپلوسی از نوع ارتباط برقرار کردن با قدرت‌مندتر از خود. پایین‌تر از خود را همیشه پشت در نگهدارید.

۹- سکوت در قبال مسئله‌های فرهنگی، حقوق بشری، حقوق زن، دموکراسی و مدنیت (!) از آن جهت لازم است که چیزی نمی‌دانیم. آن‌هایی که می‌دانند می‌توانند با دست باز و دهن گشاد، طبق میل و هوای نفس خویش فیر کنند.

۱۰- مدیریت بلد باشید، مدیریتی که تاروپودش را دروغ شکل می‌دهد. هر روز یک نفر را حتماً احق یا خر خطاب کنید یا اگر بودجه‌تان می‌کشد، با سیلی بزیند. لگد هم مجاز است، البته از کمر پایین. این‌گونه هیبت‌تان بالا می‌رود.

۱۱- خیرها را بخوانید. هر جا که به طبع‌تان خوش نیامد، اعلامیه صادر کنید. کوشش کنید یک خانم قلم به‌دست را به قید نکاح درآورید و از او بخواهید که هر شب شما را کمی تحلیل علمی-فلسفی بکند. (خانم‌ها می‌توانند مردان قلم به‌دست را چیز کنند. کم که نیستند).

۱۲- هر جا می‌روید، اول مطمئن شوید که تشناب دارد. مخصوصاً وقتی می‌بینید رفتن‌تان تشریفاتی بوده و شما حرفی برای گفتن ندارید، یا اجازه‌ی شند حرف‌های بزرگ‌تران را ندارید، به تشناب بروید و تا می‌توانید طولانی رفع حاجت کنید.

۱۳- به یک نفر همیشه رشوت بدهید که بعضی‌ها را زیر نظر داشته باشد.

۱۴- رفاقت شیرین با مولوی‌های گنده گنده برقرار کنید. آن‌ها را مهمان کنید و تحفه بدهید. هم ثواب دارد هم کاروبار خودتان به نور رونق مجهز می‌شود.

۱۵- اگر دیدید که رئیس جمهور مریض شده، حتماً به عیادتش بروید. همین‌طور به عیادت معاونان ریاست جمهوری و در کل به عیادت کابینه‌ی مریض بروید. عادت‌تان باشد. همیشه خود را وارخطا نشان بدهید؛ اما زیر قلب دعا کنید که الهی هرچه زودتر... بخیر!

۱۶- اگر پول‌دار نیستید، از همین حالا به جمع‌آوری پول شروع کنید. اگر پول دارید، یگان کوچی یا سرک کوتاه را قیر کنید.

۱۷- همیشه خود را شریک پروژه‌های میلیاردی یا چندین صد میلیونی احساس کنید! یک رقم راه بروید که ترافیک چهارراهی نیم ساعت کامل هنگ کند.

۱۸- یک نفر را پیدا کنید که همیشه خواب بزرگان دین را می‌بیند و در بدل کمی پول و وعده‌ی چوکی، از طرف خدا بشارت دریافت می‌کند. آن حضرت که تا قاف قیامت زنده نمی‌ماند. می‌ماند؟!

۱۹- از آن پاسپورت‌هایی که خیلی راحت می‌توان با آن فرار کرد، حتماً داشته باشید. عندالضرورت اگر خدا بخواهد، به کار می‌آید!

۲۰- ... و افتخار جهاد را همیشه زیر کلاه خویش داشته باشید. هر جا کم آوردید، از دوران جهاد بگویید! حتماً لازم نیست که خودتان مجاهد بوده باشید، می‌توانید از درس پدر، کاکا، پدراکلان، خویش و قوم خود فخر بفروشید. ماشاالله بازارش گرم است. من بروم کمی تمرین جهاد کنم.

ملکی و پارادوکس تعریف دوست و دشمن دولت وحدت

مهدي زرتشت



مردم این کشور، رسیدن به صلح و امنیت سراسری و ثبات پایدار است. یکی از وعده‌های مهم رییس جمهور به مردم افغانستان نیز تأمین صلح و امنیت سراسری بود. به‌یاد بیاوریم، در روز تحلیف رییس جمهور سیاست‌های خارجی دولتش را اعلام کرد؛ او راهکارهای دولت آینده و طرح‌های استراتژیک روابط آینده‌ی دولت را با کشورهای جهان، شرح داد و چارچوب این روابط را نیز مشخص کرد. ولی این را نیز به‌یاد بیاوریم که اشرف غنی، در بخش تشریح سیاست خارجی دولت، هیچ حرف رک و مشخصی در ارتباط به پاکستان نداشت. بدتر از همه-

لازم است این‌گونه مطرح کنیم که- موقوف او در برابر پاکستان از همان لحظه آشکار بود: اشرف غنی به‌جای طرح و شرح چارچوب سیاست خارجی نسبت به یک مشکل دیرینه یا همان «سرطان»، خطاب به برخی از مهمانان پاکستانی (و از جمله محمودخان اچکزى) گفت که «به‌خانه‌ی خودتان خوش آمدید». اشرف غنی حتا این مسئله را نیز نادیده گرفت که مردم افغانستان، کشورهای همسایه و بسیاری‌های دیگر، نکته به نکته، حرف‌ها و گفته‌های او را دنبال می‌کنند و می‌شنوند. اشرف غنی حتا کوچک‌ترین محافظه‌کاری را در این خصوص از خود نشان نداد تا حداقل بر بنیاد یک فرضیه‌ی هرچند پیش پا افتاده، توجه کند که «خوش‌آمد» گفتن به مهمانان پاکستانی، ممکن است تب حساسیت برخی مقام‌های پاکستانی را تشدید کند.

ناکامی‌ها و بدتر از همه هدر دادن فرصت‌ها و زمینه‌هایی که کرزى در اختیار داشت، قابل بخشش نیست. کرزى در طول دو دوره‌ی ریاست جمهوری‌اش در پارادوکس دوست و دشمن گرد خود چرخید و بدتر از همه، به قاتلان مردم افغانستان، به دشمنان صلح و آرامش و پیشرفت مردم، لقب «برادران ناراضی» را داد؛ اما به تناسب سیاست‌های قبیله‌ای او، اشرف غنی این بار به طالبان لقب «مخالفان سیاسی» را بخشید و هیچ وقت نشد که از سوی رییس دولت، طالبان تروریست خوانده شود. نامی که نه اتهام، بلکه ماهیت واقعی آن‌هاست.

بگذریم که اشرف غنی با خیالات خوش خود، به پاکستان سفر کرد و نظرات مقام‌های نظامی و سیاسی پاکستان را در ارتباط به موضع مبارزه با تروریسم و همیاری به صلح و ثبات افغانستان، شنید و دید که چه نیشخندهایی به مقام او تقدیم شدند! اما همه‌ی مردم افغانستان شاهد اند که از زمان تشکیل دولت تا لحظه‌ی اکنون، «برادران ناراضی» کرزى و «مخالفان سیاسی» رییس جمهور جدید، صدها حمله‌ی تروریستی را در سراسر خاک کشور و به‌خصوص در شهر کابل، راه‌اندازی کردند و قرار معلوم، شمار بیش‌تری از این تروریستان و انتحارگران، برای روزهای پیشرو آماده شده‌اند تا در مقابل تر و خشک، خود

شکی نیست که مردم افغانستان با امیدهای زیاد، به پای صندوق‌های رأی رفتند، مردم افغانستان چندین ماه با تحمل رنج گرسنگی و بی‌کاری و ناامنی، انتظار کشیدند تا معادله دولت جدید چگونه حل می‌شود و دولت جدید چه وعده‌هایی را به مردم می‌دهد. سرانجام این انتظار تلخ نیز به پایان رسید. از درون چندین ماه جنجال‌ها، حکومت وحدت ملی با شعار ترکیبی «تحول و اصلاحات» تشکیل شد. وعده‌ها و شعارها چه در طول کارزار انتخاباتی و چه در روزهای تشکیل دولت و ادای سوگند وفاداری، کم نبودند. سخنرانی پرشور محمد اشرف غنی در روز تحلیف، امیدواری‌های زیادی را خلق کرد. از آن پس، سرزدن به دفاتر امنیتی و پولیس و شعارهای «گلوکفان» صلح و مبارزه با تروریسم، مردم افغانستان را به آینده‌ی بهتر امیدوار ساخت. چنین فضایی البته تنها برای شهروندان افغانستان رنگین بود؛ زیرا سال‌هاست این کشور اسیر تروریسم است، سال‌هاست نان مردم افغانستان با اشک و گریه تر شده است و مردم افغانستان دیگر عادت کرده‌اند از صدای ترکیب بمب و انتحاری وحشت نکنند، مردم عادت کرده‌اند صبح که از خانه بیرون شدند، انتظار برگشت نداشته باشند و خلاصه، مردم به این باور رسیده‌اند که فقط شانس است که می‌تواند زندگی آن‌ها را حفظ کند. در حالی که در فضای بیرون از افغانستان و از نظر کارشناسان بسیاری، دولت وحدت ملی اسب بخت نه، که خر لنگی بود که معلوم نیست آیا می‌تواند بار مسئولیت‌هایش را موفقانه بر دوش کشد یا خیر؟

قراین حرف‌ها و شعارها نشان می‌داد که اشرف غنی در مقام یک «تکنوکرات تحصیل‌کرده» اولویت‌های کشور را درک کرده و برای عبور از خطاها و شکست‌های دولت قبل از خودش، راهکارها و روش‌های جدیدی را روی دست خواهد گرفت. فرمان سرپرستی برای تمام وزارت‌ها و نهادهای مهم کشور، توقف عزل و نصب کارمندان دولتی، سرزدن‌های ناگهانی به ادارات مختلف همه و همه دست‌کم در ظاهر، عزم قاطع او را برای یک «تغییر بنیادی» در تمام عرصه‌ها نشان می‌داد. ضمناً، اشرف غنی در روز تحلیف وعده سپرد که تا «چهل و پنج» روز آینده، کابینه‌ی دولت تشکیل خواهد شد. سفرهای پی‌هم خارجی او از عربستان تا یکن و اسلام‌آباد و بروکسل اما اولویت‌های او را قدری نیز متشتت کرد. با این حال، هنوز هم خیلی زود است که بشود روی کارکرد دو و نیم ماهه‌ی دولت وحدت ملی نقد حواله کرد؛ اما مسایلی زیادی اند که قابل بحث و نقد اند و دولت نیز تا حال، سرخی را از دارایی فکری و استراتژیک خود به‌دست مردم و رسانه‌ها سپرده است. شکی نیست که مهم‌ترین اولویت دولت افغانستان و



مهدی زرتشت

مسکو افغانستان در نگاه

تروریسم، افراط‌گرایی و مواد مخدر؛ سه تهدید جدی برای امنیت ملی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی

به نظر می‌رسد اوضاع در کشورهای آسیای مرکزی و از جمله افغانستان، روزبه‌روز شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. این روزها، رسانه‌های مسکو، کارشناسان، آگاهان مسایل سیاسی و مقام‌های دولتی روسیه بیش‌تر از پیش روی این چالش تمرکز کرده‌اند و نسخه‌های متفاوت و راهکارهای نو مقابله با هرنوع چالش احتمالی را می‌سنجند. افغانستان اما مرکز و کانون محوری همه‌ی این چالش‌ها محسوب می‌شود. این در حالی است که سال ۲۰۱۴ اکنون به پایان خود رسیده و به‌زودی نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان، این کشور را ترک می‌کنند. مطابق توافق‌نامه‌ی امنیتی که میان کابل و واشنگتن به امضا رسیده است، تعداد کمی از سربازان امریکایی در افغانستان باقی می‌ماند که آن‌هم تنها در بخش‌های مشوره‌دهی و آموزش عملیات نظامی برای نیروهای امنیتی افغانستان، محدود خواهد بود.

واضح است که افغانستان کنونی مرکز فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و شبکه‌های دهشت‌افگنی است. طی دو ماه اخیر، تعداد حملات از سوی طالبان در سرتاسر کشور و به‌خصوص دور و اطراف پایتخت، به‌شدت افزایش یافته است. تا اکنون شمار زیادی از شهروندان و همین‌طور نیروهای خارجی، تلفات جانی و مالی زیادی را متقبل شده‌اند. همین‌طور، افغانستان هنوز هم بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده‌ی مواد مخدر در دنیاست و بدتر از همه، افراط‌گرایی دینی ظاهراً و بر طبق یافته‌ها و مشاهدات، شکل و شمایل جدیدتر و جدی‌تری به خود گرفته است. طی روزهای اخیر پرچم‌های «دولت اسلامی» داعش تا پشت دروازه‌های دانشگاه کابل بلند شد، پرچم سفید طالبان نیز به اهتزاز درآمد. این در حالی است که نفوذ گروه تروریستی دولت اسلامی، با گذشت هر روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

به نظر می‌رسد مسکو به عنوان یکی از بازی‌گران کلیدی عرصه‌ی سیاست جهانی، بیش‌تر از هر کشور دیگر، نگران این وضعیت است؛ زیرا افغانستان نارام و درگیر جنگ با تروریسم و افراط‌گرایی، دروازه‌ای است به‌سوی کشورهای آسیای مرکزی و از این طریق به خاک روسیه. هرنوع چالش و وقوع هرنوع بحران، تأثیر مستقیم خودش را بر امنیت ملی کشورهای مذکور می‌تواند داشته باشد.

در حال حاضر و بر طبق برآوردهای مقام‌های مسکو، سه پدیده‌ی تروریسم، افراط‌گرایی دینی و تولید مواد مخدر، خطری بالقوه و بالفعل برای امنیت ملی و ثبات اجتماعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (Содружество Независимых Государств) محسوب می‌شود. مسکو از سال‌هاست در مقابل هرنوع چالش و بحران در کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی (Организация Договора о коллективной безопасности) نقش رهبری را به عهده دارد. همان‌طور که آندری کازانتسیف، یکی از کارشناسان روسیه می‌گوید، «اوضاع افغانستان و تأثیرات آن بر مسئله‌ی امنیت در کشورهای تحت حمایت شوروی سابق - کشورهای آسیای مرکزی - سایه‌ی سنگین خودش را دارد. به‌طور کلی، هرگونه ادامه و تقویت تهدیدهای سنتی در آسیای مرکزی، خطری برای امنیت روسیه تلقی می‌شود. اما همه‌ی این تهدیدها، ناشی و وابسته به اوضاع جاری در افغانستان همسایه است». بنابراین، هرنوع بحران و چالش می‌تواند به‌صورت مستقیم امنیت ملی روسیه و شرکای سیاسی این کشور را تهدید کند. این در حالی است که روسیه تا اکنون از جزر و مد بحران جاری در افغانستان، بی‌آسبب هم نمانده است. مطابق اظهار نظر کارشناس کازانتسیف، هم اکنون روسیه اولین کشور مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر افغانستان در جهان است. علاوه بر این، گروه‌های افراط‌گرا و شبکه‌های دهشت‌افگنی و تروریستی فعال در داخل افغانستان، در سطوح مختلف با گروه‌های مخل امنیت در کشورهای آسیای مرکزی، در ارتباط و داد و ستد هستند.

چشم‌انداز ثبات افغانستان، یکی از مهم‌ترین مسایل است. در چهارده سال از حضور نظامی غربی‌ها در افغانستان، نه تنها تروریست‌ها از نفس نیفتادند، بلکه با گذشت هر روز آن‌ها قوی‌تر شدند، تولید مواد مخدر، به‌خصوص در سال‌های اخیر، گراف صعودی خود را پیمود و اکنون که شیخ دولت اسلامی و گروه‌های افراط‌گرا تا پشت دهلیز کابل رسیده است، زنگ خطری است برای آینده‌ی افغانستان. بسته به این موضوع، دولت وحدت ملی با دیوار «سست و ناپایدار» خود تا اکنون هیچ نوع دست‌آورد و پیشرفتی در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم و جریان‌های افراطی نداشته است. بدتر از همه، قراین و شواهد حاضر نشان می‌دهند که دولت فاقد برنامه‌های مفید درازمدت برای آینده‌ی افغانستان است و اکنون در نوعی آشفتنگی به‌سر می‌برد. «مذاکرات پنهان» دولت با جناح طالب، اعتماد مردم نسبت به دولت جدید را به‌شدت لطمه زده است. حجم وسیعی از ناآرامی‌ها در سراسر کشور، خبر از آینده‌ی خوب نمی‌دهد و اگر ائتلاف غربی در طول چهارده سال موفق و مؤثر عمل کرده بودند، آن وقت می‌شد از زاویه‌ی دیگری به آینده نگاه کرد.

در هر صورت، دولت‌های آسیای مرکزی (سازمان همکاری‌های شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی) بیش‌تر از پیش زنگ خطر آینده را به‌خوبی درک کرده و از چندی به این‌سو در تلاش‌اند تا نسخه‌های جدید و راهکارهای نوی را برای مقابله با وضعیت موجود و تهدیدهای احتمالی آینده، روی دست گیرند. مسکو در مقام رهبری سازمان‌های مذکور و به عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهانی، در تلاش است تا امکان عملی‌سازی هرنوع فعالیت پیش‌گیرانه را در دستور کار قرار دهد. روسیه روابط دیرینه‌ای با افغانستان دارد و مردم افغانستان هنوز یادگارهای اتحاد شوروی را فراموش نکرده‌اند. بنابراین، نقش روسیه را در زمینه‌ی ثبات آینده‌ی افغانستان و از جمله مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تولید مواد مخدر، بایستی جدی و امیدوارانه ارزیابی کرد.

غنی با زورمندان

چگونه فساد را از بین می‌برد؟



نویسنده: دیدی در کسین، محقق و نویسنده‌ی مستقل

که برای دوره‌ی دکترایش در باره‌ی تأثیرات دی‌دی‌آر در افغانستان تحقیق می‌کند.

منبع: فارن پالیسی

برگردان: جواد زاولستانی

زمانی که غنی نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ بود به رادیوی ای.بی.سی استرالیا گفت: «جنگ‌سالاران [افغانستان] مولود سیاست‌های اداری جورج بوش و ضعف [حامد کرزی] است. افغانستان کشوری نیست که آرزوی داشتن جنگ‌سالاران را در دل داشته باشد». غنی در آن انتخابات باخت و به «آقای سه درصد» مشهور شد؛ چون او از کل آرا فقط سه درصد به‌دست آورده بود.

او بار دیگر در انتخابات سال ۲۰۱۴ نامزد شد و سوگند خود را مبنی بر «گذار از سیاست زور» به «سیاست مبتنی بر عقانیت» به منظور پایان بخشیدن به فساد و تفرق بر اساس واسطه و شبکه‌ی سیاسی تکرار کرد و گفت که حاکمیت قانون را تحقق خواهد بخشید. این بار او رییس جمهور شد و فرصت دارد که دیدگاه‌هایش را عملی کند. او پیروز شد، اما تا حدودی برنده‌شدنش را مدیون زورمندانی است که بدون پشتیبانی آنان در افغانستان کسی نمی‌تواند بالاتر از سه درصد رای بیاورد.

حامیان عبدالله عبدالله، رییس اجرایی، که غنی با او حکومت وحدت ملی ساخت، اوضاع را پیچیده‌تر می‌سازند. این اوضاع غنی را بر سر دوراهی قرار می‌دهد. اگر او منصب‌های دولتی را به زورمندان اعطا نکند (در اکثر موارد آنان را در موقف‌هایی که قبلاً احراز کرده‌اند، نگهدارد)، آنان تبدیل به مخالفان دولت خواهند شد و توانایی آن را دارند که خشونت را شعله‌ور سازند. این در حالی است که بدون مخالفت آنان، اوضاع امنیتی کشور بی‌ثبات است. اما اگر آنان را در موقف‌هایشان نگهدارد، نظم سیاسی انحصاری و یغماگری که پس از ۲۰۰۱ تشکیل شده، ادامه خواهد یافت که خود یکی از دلایل عمده‌ی دوام شورش است.

نتایج تحقیقات اولیه در مورد برنامه‌ی خلع سلاح و ادغام مجدد (DDR) از سال ۲۰۰۱ بدین‌سو، پنجره‌ای را به‌روی ما می‌گشاید که می‌توان از آن نگاه کرد که یک برنامه با نیت نیک دولت‌سازی چگونه به انزوای سیاسی و تقویه‌ی شورش منجر می‌شود. مطالعه‌ای که توسط این‌جانب صورت گرفته و قرار است در سال آینده توسط انستیتوت صلح ایالات متحده نشر شود، دامنه‌ی حذف سیاسی را که منجر به خشونت و بی‌ثباتی شده است، به ما نشان می‌دهد. این تحقیق شامل بیش‌تر از ۲۰۰ مصاحبه با زورمندان، فرماندهان شورشیان، بزرگان قومی در دو ولایت شمالی (قندوز و بغلان) و دو ولایت جنوبی (هلمند و ارزگان) و نیز مقام‌های دولت افغانستان و غربی می‌شود.

مناسبات بین یک دلال محلی قدرت و حکومت پس از

روابط جنگ‌جویان پیشین و فرماندهان آنان را قطع کند، ساختار شبه‌نظامی فرماندهی را تقویت و نهادینه کرد. فرماندهانی که روابط لازم برای به‌دست آوردن مقامی در دولت را نداشتند، تحرکات‌شان را علیه دولت آغاز کردند. در جنوب، بر اساس یافته‌های مصاحبه‌هایی که من با مقام‌های دولتی و فرماندهان طالبان انجام دادم، در حدود ۴۰ درصد فرماندهان و سربازان فرقه‌ی نود و سوم در هلمند، به طالبان پیوستند.

ایتکاری که هم‌زمان با گسترش نقش آیساف در ولایت‌های جنوبی توسط حکومت‌های بریتانیا و هلند در سال ۲۰۰۶ روی دست گرفته شد نیز نتیجه‌ی معکوس داد. بر اساس این ایتکار، باید مقام‌های سوء استفاده‌گر از دولت حذف می‌شدند. نمونه‌ی مشهور آن، برکنار کردن والی پیشین هلمند - شیر محمد آخوندزاده - طبق خواست بریتانیایی‌ها بود. آخوندزاده به روزنامه‌ی انگلیسی تلگراف گفته بود که پس از برکنار کردن او، ۳۰۰۰ تن از افرادش به طالبان پیوستند. یک پیام سفارت امریکا که در سال ۲۰۰۶ تبادل شده است، نشان می‌دهد که پس از برکنار شدن جان محمد خان از ولایت ارزگان، او به شکل فعال از کابل در تلاش بی‌ثبات کردن ارزگان بود. ظاهراً رییس جمهور هیچ مخالفتی با او نداشت. به دلیل شکایت هالندی‌ها از دست داشتن جان محمد خان در قاچاق مواد مخدر و نقض حقوق بشر، او از والی ارزگان به مقام مشاوریت کرزی ارتقا یافت.

تعداد زیادی از طالبانی که بریتانیایی‌ها و هالندی در سال ۲۰۰۶ با آن‌ها جنگیدند، در واقع از دلایان محلی قدرت و مقام‌های امنیتی ناراحت بودند و با تطبیق برنامه‌ی دی‌دی‌آر، کار و مصونیت‌شان را از دست داده بودند. آنان از نگاه ایدیولوژیکی جهادی‌های متعهد به طالبان نبودند. شبه‌نظامیان دیگر که قبلاً توسط برنامه‌ی دی‌دی‌آر خلع سلاح شده بودند و از وزارت دفاع معاش دریافت می‌کردند، بار دیگر توسط غرب مسلح شدند تا علیه طالبان بجنگند. این اقدام، برنامه‌ی بعدی خلع سلاح را که انحلال گروه‌های مسلح غیرقانونی نام نهاده شده بود و از سال ۲۰۰۵ آغاز شد، تضعیف کرد.

در شمال‌شرق، زورمندانی که نخست به برنامه‌ی دی‌دی‌آر پیوسته و پس از آن بیکار شده بودند، یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در مناطق زیر کنترل‌شان بودند. تعداد زیادی از آنان به‌سادگی تبدیل به اربابان شبکه‌های جنایت‌کاران شدند که در قاچاق و باج‌گیری دست داشتند. اما این کار برای آنان گزینه‌ی دل‌چسبی به نظر نمی‌رسید؛ چون شانی را که مقام قبلی‌شان در نیروهای امنیتی داشتند، در این کار وجود نداشت و نیز دست آنان را از منابع خارجی کوتاه می‌کرد. بر اساس گفته‌ها، زمانی که نیروهای آیساف و ارتش افغانستان بر خانه‌ی فرمانده پیشین لوی ۲۳۳ بغلان - امیر گل - حمله کردند، آنان نه تنها مواد لازم برای ساختن بمب را یافتند، بلکه نامه‌هایی را پیدا کردند که «شان می‌داند که امیر گل به‌صورت فعال در جست‌وجوی یافتن مقام حکومتی در بغلان» بوده است. امیر گل پس از تطبیق دی‌دی‌آر، بیکار شده بود. مانند اکثر فرماندهان پیشین قوای نظامی افغانستان که در درس‌ساز شده بودند، امیر گل که در ماه نوامبر ۲۰۰۶ توسط کرزی از زندان آزاد گردید، وظیفه‌ی حکومتی برایش داده شد.

شامل ساختن زورمندانی که به‌طور بالقوه برای حکومت دردرس ایجاد می‌کردند، در کوتاه‌مدت، شاید تنش‌ها را آرام ساخت. اما با گذشت زمان باعث به‌وجود آمدن یک نظم سیاسی شکننده و بی‌ثبات گردید. برای نمونه، حاکمیت فرمانده کنونی پولیس ارزگان - مطیع‌الله - که در رأس سلسله مراتبی از دوستان قبیله‌ی پوپلزئی (یک قبیله‌ی اقلیت در ارزگان) و اعضای خانواده‌اش قرار دارد، شاید بتواند در مراکز پرجمعیت تا حدودی امنیت را فراهم کند؛ اما حکومت‌داری مبتنی بر حذف و سوء استفاده را دایمی می‌سازد. این کار باعث شده است که تعداد زیادی از زورمندان محلی دیگر در ارزگان به شورشیان پیوندند. این در حالی است که اعضای خانواده‌ی مطیع‌الله در انتخابات امسال برای اشرف غنی کمپاین کردند و انتظار دارند که او در مقامش باقی بماند. با آن‌که او در سال ۲۰۰۷ از آکادمی پولیس کابل فارغ شده و پس از آن به حیث یک فرمانده شبه‌نظامی، نیروهای ویژه امریکایی را در دست‌گیری کسانی که او آن‌ها را طالب معرفی می‌کرد، کمک کرده است - شاید کسی نباشد که غنی وقتی از تفرق بر اساس شایستگی صحبت می‌کند، او را در نظر داشته باشد. اما اگر او برکنار شود، احتمال دارد که برای بی‌ثبات ساختن ارزگان از تاکتیکی کار بگیرد که کاکایش جان محمد خان کار می‌گرفت. اگر مطیع‌الله در مقامش باقی بماند، عواملی که باعث شورش در این ولایت شده‌اند، ادامه خواهند یافت. اگر او برود، امنیت نسبی که اکنون در ارزگان برقرار است نیز با او خواهد رفت. این وضعیت در اکثر بخش‌های افغانستان صدق می‌کند. اگر تعداد زیادی... **ادامه در صفحه ۵**

چهارشنبه

یادداشت‌های سخیدادهااتف

در ستایش از هنوز بودن

در این که من یکی از اشخاص‌های حسود می‌باشم، کمترین تردیدی نیست. اما انصافاً، آدم حسود هم نباشد از دیدن این همه تقدیرنامه که بیست و چهار ساعته پخش می‌شوند، آتش می‌گیرد. مسئولان مرکز توزیع تقدیرنامه ابتدا خیال می‌کنند که آن آدمی که یک وقت آقای «موصول» تخلص می‌کرد، در کمال تأسفد دیگر در میان ما نیست و به همین خاطر، میان ما خیلی زشت معلوم می‌شود. مدتی می‌گذرد و یکی از لایق‌ترین کارمندان این مرکز خبر می‌آورد که آقای موصول را در یک کتاب‌فروشی قدیمی دیده است. همه مسرور می‌شوند و اولین چیزی که به خاطرشان می‌رسد، این است که به آقای موصول یک تقدیرنامه بدهند. آخر، حرف ساده‌ای نیست که مردم فکر کنند آدم به سرای باقی شتافته و آدم نه تنها نشتافته باشد، که اصلاً قصد نداشته باشد به این زودی‌ها از فانی بودن دست بردارد.

بعد، مرکز مذکور ناگهان متوجه می‌شود که اگر آن کتاب‌فروشی در شهر نبود، امکان نداشت که کسی آقای موصول را در همان کتاب‌فروشی ببیند. این است که مسئولان نفر می‌فرستند که صاحب آن کتاب‌فروشی قدیمی را پیدا کنند تا به او تقدیرنامه‌ای بدهند. اما معلوم می‌شود که آن مرد اهل فرهنگ که هفتاد سال پیش در یک خانواده‌ی روشنفکر و مذهبی به دنیا آمده بود، مدتی است شتافته. چرا که همه از او بییم و او هم گاهی می‌گوید بشتابید. حتماً فکر می‌کنید مسئولان مرکز توزیع تقدیرنامه دست از طلب می‌دارند و فاتحه‌ای می‌خوانند و خلاص. نه، اشتباه می‌کنید. برعکس، می‌گویند حالا که آن مرحوم شتافته هم میان ما را خالی کرده، باید برای دل‌جویی از خانواده‌ی فرهنگی او، به همه‌ی افراد خانواده‌اش تقدیرنامه بدهیم. چرا؟ برای این که در این مملکت نفس زنده ماندن یک آدم، هنری است والا، چه رسد به این که آدم کتاب هم بفروشد.

اگر همه‌ی آن چه گفتیم برای تان معقول و منطقی جلوه می‌کند، روشن می‌شود که من بسیار حسودم. اما اگر گمان می‌کنید که مسئولان مرکز مذکور زیاده تقدیرنامه می‌دهند، خوب حداقل بروید شما هم حق خود را بستانید. نه؟



حسین قریباغان

عدم تخصص، کم‌سواد و عدم آشنایی مدیران ارشد دولتی با شرایط و نیازهای افغانستان و مطالبات، یکی از عوامل ناکامی دولت در ارائه‌ی خدمات و مصرف بودجه‌ی توسعه‌ای وزارت‌خانه‌ها می‌باشد. طوری که در اکثر تحقیق‌هایی که انجام شده، به ظرفیت پایین در اداره‌های دولتی انگشت‌نقاد گذاشته شده است. در کابینه‌های گذشته، پالیسی‌سازان سطح عالی از نیروی انسانی و خلاقیت جوانان به‌ندرت استفاده کردند و بیش‌ترین وزیران کابینه‌های گذشته را افراد کهن‌سال، کم‌سواد و کهنه‌فکر تشکیل می‌دادند. در حالی که خوش‌بختانه امروز در کشور ما در عرصه‌های گوناگون جوانان تحصیل‌کرده، متخصص و خلاق وجود دارند که اگر برای‌شان فرصت داده شود، بدون شک، آن‌ها می‌توانند به‌خوبی نهادهای دولتی را مدیریت کرده و فساد را در این ادارات کاهش دهند.

در این میان، خود جوانان هم ناآگاهانه دست به تخریب، اتهام و شخصیت‌کشی هم‌قطاران خود پرداخته و در نتیجه‌ی آن، زمام‌داران برای نادیده‌انگاشتن جوانان بهانه‌ای یافته و از این ضرورت اساسی به‌راحتی فرار کرده‌اند؛ چنان‌که هرگاه یک یا چند فرد از میان نسل جوان در یکی از جریان‌ها یا روندهای سیاسی و اجتماعی سر بلند کرده‌اند، تعداد دیگری ناخواسته تحت تأثیر اهداف افراد مغرض قرار گرفته و کمر به تخریب آن‌ها بسته‌اند؛ بی‌خبر از این که با این کار خود منافع قشر بزرگی از جامعه را که خودشان نیز بدان تعلق دارند، به خطر می‌اندازند.

حال، به‌خاطر جلوگیری از تکرار تجربه‌های تلخ گذشته، در گام نخست، لازم است که جوانان خود از نخبگان سیاسی هم‌نسل خویش قاطعانه حمایت کرده و با طرح ضرورت جابه‌جایی نسلی، رهبران و نخبگان سیاسی را تشویق و ترغیب کنند و در صورت امکان، آن‌ها را تحت فشار قرار دهند تا در ترکیب حکومت جدید از نیروی جوان در سطوح کلان مدیریتی کشور حمایت کنند. جوانان به مثابه یک کتله‌ی اجتماعی نیرومند با استفاده از ابزارهای دموکراتیک باید رهبران حکومت وحدت ملی را تحت فشار قرار دهند که در کابینه و تشکیلات جدید حکومت، بر علاوه‌ی رعایت تخصص و تعهد، حضور مؤثر جوانان را در نظر بگیرند.

افزون بر آن، با در نظر داشتن مصالح قشری، نیاز است که جوانان در گام نخست، به توانایی هم‌نسلان خود اعتماد کرده و با هم‌دیگر دست یاری دهند تا باشد که زمینه‌ی حضور مؤثرشان در نهادهای ملی و لایه‌های مختلف ساختار اجرایی حکومت آینده فراهم گردد.

ضرورت اعتماد به نسل جوانان



جوانان تنها استفاده‌ی نمادین و ابزاری نموده و در عمل، کمتر به نیرو و خلاقیت آن‌ها در سطوح مختلف مدیریتی اهمیت داده‌اند. یکی از دلایل اصلی این مسئله، عدم اعتماد به ظرفیت و توانایی‌های مدیریتی جوانان است. این در حالی است که انتخاب و جابه‌جایی جوانان در بدنه‌ی بروکراسی حکومت، زمینه‌ای را برای حکومت‌داری خوب، اصلاحات سیستماتیک، محو تدریجی فساد و ترویج خلاقیت را فراهم می‌کند.

یکی از چالش‌های بنیادی که دولت وحدت ملی با آن مواجه است، فساد اداری می‌باشد. بر اساس آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، افغانستان در فهرست فاسدترین کشورهای جهان در رده‌ی چهارم قرار گرفته است. مطالعات در الگوی پیشرفت و توسعه‌ی کشورهای منطقه و جهان نشان داده‌اند که یکی از مؤثرترین راه‌ها برای حکومت‌داری بهتر، استفاده‌ی برنامه‌ریزی‌شده از نیروهای جوان در سطوح کلان مدیریتی دولتی است؛ زیرا بر اساس یافته‌های ادبیات توسعه، جوانان از نظر توان فزینی و فکری نسبت به کهن‌سالان در وضعیت بهتری قرار دارند، انگیزه‌ی کمتری به ارتکاب فساد مالی و اداری داشته و به ارزش‌های ملی متعهدتر می‌باشند.

افغانستان از جمله‌ی کشورهای جوان در جهان به شمار می‌رود که بیش‌تر از نصف نفوس این کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. در طول یک دهه‌ی اخیر جوانان افغانستان در برخی از عرصه‌ها، از جمله تحصیلات، ابتکارات علمی، فرهنگ و ورزش نقش بسیار مهمی بازی کرده و باعث سربلندی کشور شده‌اند. در واقع، دامنه و حوزه‌ی این افتخارآفرینی‌های جوانان گسترده می‌باشد؛ از میدان‌های ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی گرفته تا مسابقه‌های علمی، از ایثارگری‌ها و جان‌فشانی‌ها در صوف نیروهای امنیتی، اعم از اردو، پولیس و امنیت ملی گرفته تا مبارزه و دادخواهی‌ها برای تحقق عدالت و حقوق بنیادی شهروندان و هم‌چنان حضور گسترده در انتخابات؛ چه به حیث رای‌دهندگان، چه در جایگاه برنامه‌ریزان کمپاین‌ها یا هم به عنوان بسیج‌کنندگان سایر طیف‌های اجتماعی در راستای تقویت این روند دموکراتیک. بدون تردید، همه‌ی این تلاش‌ها تصویر متفاوت‌تری از افغانستان به نمایش گذاشته و امید بیش‌تری خلق کرده‌اند. اما در این میان آن‌چه در طول یک دهه‌ی اخیر نادیده‌انگاشته شده است، عدم حضور قناعت‌بخش نسل جوان در سطوح رهبری و مدیریت کلان کشوری است. در حکومت‌های گذشته، دولت‌مردان و مدیران ارشد دولتی از

غنی بازورمندان چگونه

از این گونه افراد برکنار شوند، جنگ داخلی تمام عیار، احتمال واقعی است.

خلاصه این که غنی باید بین شامل ساختن این زورمندان در دولت و تطبیق حاکمیت قانون با خلع سلاح و برکنار کردن آنان، توازن ایجاد کند. این کار به‌طور اجتناب‌ناپذیری باعث به میان آمدن مصلحت‌های ناخوش‌آیند خواهد شد و نتیجه‌ی آن با آن‌چه او به هوادارانش در جریان مبارزات انتخاباتی وعده داده است، متفاوت خواهد بود. با این حال، راه‌هایی وجود دارند که او می‌تواند با استفاده از آن‌ها حکومت‌داری همه‌شمول و عادلانه را در ولایت‌ها رشد دهد.

نخست، تعینات در وزارت‌خانه‌ها خیلی مهم اند. مقام‌های بلندپایه در کابل که در تلاش گسترش نفوذ در ولایت‌ها هستند، به فرماندهان ینماگر در سطح ولایت‌ها و ولسوالی‌ها اجازه می‌دهند که با معافیت به کارشان ادامه دهند. بدون پشتیبانی شبکه‌های سیاسی در کابل، می‌توان زورمندان محلی را بازداشت و گروه شبه‌نظامی آنان را منحل کرد. نیروهای امنیتی افغانستان اکنون آن‌قدر توانایی دارند که در اکثر مناطق پرجمعیت، امنیت را تأمین کنند. مجبور نمودن فرماندهان جنایت‌کار به حساب‌دهی، مشروعیت دولت را افزایش خواهد داد و حمایت محلی از شورش را از بین خواهد برد.

دوم، با این که خیلی زمان خواهد گرفت تا طرف‌های درگیر آن‌قدر به هم‌دیگر اعتماد کنند که هر دو از خلع سلاح پشتیبانی کنند، معامله با طالبان دست‌کم پشتیبانی سطح بالا برای مسلح شدن مجدد را از بین خواهد برد. برای رسیدن به این معامله، موافقت زورمندان شمال، شرط اساسی است. موافقت میان تمام طرف‌ها یا گروه‌های شورشی به‌طور جداگانه، فضا را برای حرکت علیه فرماندهان محلی چپاول‌گر بازتر خواهد کرد. با این وجود، صلح با طالبان و ادغام فرماندهان سطح میانه و جنگ‌جویان آن، بار دیگر سبب خواهد شد که جناح‌های اصلی آنان زمینه‌ی شکل‌گیری شبکه‌های قیمومیتی شبیه جنگ‌سالاران کنونی را فراهم کنند.

نکته‌ی آخری این که، مشوق‌ها برای ادغام مجدد باید به‌طور مشروط پیشکش شوند. برنامه‌های گذشته‌ی دی‌دی‌آر در افغانستان باعث تقویت جناح‌بندی در حکومت افغانستان گردیدند. بدون پیشکش‌های دل‌چسب رسمی، زورمندان محلی وفاداران‌شان را وارد نیروهای امنیتی افغانستان خواهند کرد و واحدهای قبلی آنان تبدیل به واحدهای نیروهای امنیتی افغانستان خواهند شد. مقام‌ها باید فرصت‌های جذاب برای ادغام مجدد در حکومت محلی و نیروهای امنیتی برای تمام جناح‌های محلی، به‌شمول طالبان را فراهم کنند. اما باید تا حد ممکن آن را مشروط به پیوستن انفرادی فرماندهان و جنگ‌جویان بسازند، نه ادغام گروهی - تا وابستگی‌های گروهی آنان شکسته شوند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

| Subscribe to Daily Etilaat Roz | | برای ادارات دولتی و شرکتها | | برای متعلمین و محصلین | |
|--------------------------------|-----------|----------------------------|---------|-----------------------|---------|
| 6 Months | 100\$ USD | ۲۵۰۰ افغانی | شش ماهه | ۷۵۰ افغانی | سه ماهه |
| Annual | 180\$ USD | ۴۰۰۰ افغانی | یک ساله | ۱۳۰۰ افغانی | شش ماهه |
| | | | | ۲۵۰۰+ افغانی | یک ساله |

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

دویدن باعث بهبود حافظه می شود



تحقیقات پژوهشگران دانشگاه کمبریج نشان داده که دویدن سبب بهبود حافظه می شود و چون به اکسیجن رسانی بیش تر به مغز کمک می کند، در شکل گیری صدها هزار سلول جدید حافظه هم دخیل است. انجام مرتب دویدن چند نوبت در هفته می تواند سبب رسیدن مغز به نهایت قابلیت خود شود. پیش از این گروهی از عصب شناسان آلمانی، با بررسی توانایی های مغزی چندین دونه در طی چند هفته متوجه شده بودند که قدرت تمرکز و حافظه ی تصویری در آن ها بسیار بالا رفته است.

به گفته ی محققان، شرکت کنندگان در این تحقیق باید دو جلسه ی ۳۰ دقیقه ای در هفته را به دویدن اختصاص داده و پس از آن آزمایش های مشکلی را انجام می دادند. محققان متوجه شدند، در حالی که حافظه ی این دوندگان در بخش اعداد و ارقام تغییر چندانی نداشت، توانایی آن ها در به یاد آوردن تصاویر و اشکال و هم چنین انجام دادن امور بصری مانند خواندن نقشه یا ساختن چیزی از روی راهنمای مصور، به طور اساسی بهبود یافته بود.

برای اثبات این نظریه، محققان در میانه ی کار، هر گروه از دوندگان را به چند زیرگروه تقسیم کردند و تنها یکی از این زیرگروه ها به دویدن ادامه داد، اعضای که به دویدن ادامه ندادند بودند، در انجام آزمایش ها به طور مشخصی دچار کاهش دقت و صحت عمل شدند.

محققان می گویند: فعالیت موجب افزایش تولید سلول های تازه در هیپوکامپ می شود و در ضمن از سلول های موجود هم محافظت می کند. شاید دلیل تأثیر مثبت دویدن بر حافظه هم همین باشد. (جام جم آنلاین)

خرید اولین بلیت هواپیما برای یک ربات

ساخت ربات های انسان نما در سال های اخیر شتاب زیادی گرفته است و پیش بینی می شود که این ساخته های دست بشر هرچه بیشتر در زندگی ما حضور داشته باشند.

اما روز دوشنبه رویدادی عجیب در میدان هوایی بین المللی لس آنجلس در ایالات متحده اتفاق افتاد. در این میدان هوایی، دو دانشمند به همراه رباتی که «آتنا» نام داشت، سه بلیت برای پرواز خود تهیه کردند. این رویداد تاکنون پوشش رسانه ای بی نظیری داشته و شبکه های مختلف خبری، تصویری از آن را منتشر کرده اند.

البته خرید بلیت اضافی توسط یک مسافر پدیده ی جدیدی نیست و سال ها است که هر مسافر می تواند برای وسایل اضافی که به درون هواپیما می برد، یک صدلی اضافه هم خریداری کند. اما این نخستین باری است که یک صدلی هواپیما به یک ربات اختصاص می یابد. (جام جم آنلاین)

اتفاقی بی سابقه در دنیای نانو؛

تبدیل هر سطحی به صفحه ی لمسی

شاید خیلی زود بتوان هر سطحی را به صفحه ی لمسی تبدیل کرد، آن هم به لطف فن آوری فیلم های کشسان و رسانایی که با استفاده از فن آوری نانو ساخته می شوند. فیلم های شفافی که مبتنی بر نانوجوانه های کاربنی هستند - لوله های مالیکولی کاربنی دارای زوایای توبی شکل - می توانند تقریباً هر سطحی را بدون توجه شکل کلی به یک حسگر لمسی تبدیل کنند.

این فیلم ها توسط گروهی از محققان یک شرکت دانش بنیان و نوپا در فنلاند به نام «CANATU» طراحی و تولید شده اند. این فیلم ها قابلیت آن را دارند که کنترل های تماسی را به کنسول و داشبورد خمیده ی موترها و موارد دیگری از این دست اضافه کنند. از این رو، می توان روزی را تصور کرد که تنها با لمس داشبورد، فرمان های مورد نظر راننده و سایر سرنشینان دقیقاً مانند زمانی که یک صفحه ی لمسی هوشمند لمس می شود، اجرا شوند. از قابلیت های مهم این فیلم ها می توان به امکان خم کردن چندین و چند باری آن ها اشاره کرد، بدون آن که جای هیچ نگرانی در خصوص آسیب رسیدن به آن وجود داشته باشد.

در حال حاضر برای ساخت صفحات لمسی از لایه ی شفاف ماده ای موسوم به «ایندیوم» استفاده می شود؛ اما این ماده شکننده است و به همین دلیل نمی توان از آن در ساخت سطوح لمسی به جز سطوح صاف استفاده کرد. با این حال، اکنون می توان امیدوار بود که با استفاده از نانوجوانه های کاربنی، هر سطحی را به یک صفحه ی لمسی پرکاربرد تبدیل کرد. تاکنون ۴۰ نمونه ی اولیه از این فن آوری جدید ارائه شده است و پیش بینی می شود، خیلی زود در انبوهی از دستگاه های پرکاربرد نظیر تیلیفون های همراه به کار گرفته شود. (جام جم آنلاین)

سخنی بارهبران حکومت وحدت ملی افغانستان

دوران علی حکیمی



حکومتش در درون یک «حلقه» ی غیرقابل نفوذ قرار گرفته بود. افرادی که در این حلقه قرار داشتند، بیش تر با رویکرد فاشیستی و هژمونی به قضایای داخلی و بیرونی نگاه می کردند. آن ها در اکثر موارد روی تصمیم رییس جمهور تأثیرگذار بودند. افراد این حلقه ضمن این که معلومات و گزارش های نادرستی را به دسترس آقای کرزی قرار می دادند، فرصت های خدمت گذاری دولت را به خاطر مسایل قومی از بین بردند. این فرصت طلبان امروز هم کم دارند جوانه می زنند و تحت عناوین مختلف سر بالا می کنند و تلاش دارند که وضعیت را متشنج بسازند. در چند روز گذشته تعدادی زیر نام استادان دانشگاه ها و نمایندگان اتحادیه ی استادان دانشگاه های افغانستان سروصدایی به راه انداخته اند که کانکور باید به اساس نفوس ولایات سهمیه بندی گردد؛ در حالی که ثبات و آینده یک کشور از هر لحاظ وابسته به بالا رفتن سطح دانش و آگاهی جامعه می باشد. به هر اندازه که سطح آگاهی و دانش بالا باشد، به همان میزان می توان آینده ی خوب را برای کشور انتظار داشت. حال این سوال مطرح می شود که آیا ممکن است کسانی که در امتحان کانکور ناکام می شوند و از طریق سهمیه بندی کانکور وارد دانشگاه می شوند، بتوانند برخوردار از دانش و تخصص گردند؟ آیا سهمیه بندی کانکور نقض حقوق دانشجویان نخبه نیست؟

لازم است که به جای این طرح های نادرست، طرح هایی ارائه شوند که منطقی باشند و مردم افغانستان از این شرایط دشوار نجات یابند. فرصت ها نباید تبدیل به تهدید شوند. حکومت مسئولیت دارد که دامنه ی معارف و تحصیلات را گسترش دهد و برای بلند بردن کیفیت و کمیت معارف، تلاش های همه جانبه به خرج دهد. به جای سهمیه بندی کانکور، باید زمینه های رقابت را به شکل خوب و مؤثر آن فراهم سازد، تا نخبه های کشور به نهادهای آموزشی راه یابند. مطمئناً که این روش می تواند ترقی و پیشرفت افغانستان را تضمین کند. باید در تمامی ولایت های کشور سطح معارف از لحاظ کیفی رشد کند.

در نتیجه می توان گفت، تا زمانی که تعهد و اراده ی جدی برای تحقق عدالت و برابری به وجود نیاید، جنگ، ویرانی، انتحار و انفجار، فساد و مداخله ی کشورهای همسایه در امور کشور ادامه خواهند داشت. ما به همان اندازه که از فقر و بی عدالتی رنج می بریم، از ناامنی و فساد اداری نیز بیزاریم.

دیگر برتر نیست؛ هیچ افغان از افغان دیگر کمتر نیست) را به صورت عینی و عملی تحقق بخشد و هم چنان آقای دکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی که شعار «اصلاحات و هم گرایی» را سر می داد نیز عملاً برای تحقق آن گام های عملی تر را بردارد. تا زمانی که استخدام و تفرری افراد در اداره ها به اساس دانش، تحصیل و شایستگی حکومتی صورت نگیرد، نه تنها که شاهد تغییرات مثبت و مطلوب نخواهیم بود، بلکه مقام نخست را در فهرست کشورهای فاسد جهان برای سال های متمادی حفظ خواهیم کرد.

آقای کرزی گروه طالبان را با وجود عملکرد خصامه ی شان، برادر خواند. قتل و کشتارهای زیادی توسط این گروه در افغانستان صورت گرفتند، حتا چند تن از اعضای خانواده و اقارب خود آقای کرزی نیز توسط این گروه به قتل رسیدند. این کشتار و ناامنی ها توسط این گروه نه تنها که تغییری در موضع رییس جمهور نیاوردند، بلکه تلاش های وی را تا آخرین روزهای کاری اش برای ایجاد صلح، بی نتیجه ساختند. تلاش های ناسنجیده و احساساتی رییس جمهور پیشین قربانی های زیادی از مردم افغانستان گرفت. طالبان در جریان این تلاش ها قوت دوباره گرفتند و خطرناک ترین افراد گروه طالبان که در بند حکومت بودند نیز آزاد شدند و دوباره به میدان جنگ برگشتند. مطمئناً یکی از دلایل این همه کرنش آقای کرزی در مقابل طالبان، بی ربط با مسئله ی تباری وی نبود.

این برخورد عاطفی نه تنها که مشکل را حل نکرد، بل مشکلات را پیچیده تر ساخت. هزینه های جانی و مالی را که مردم افغانستان و به خصوص مناطق پشتون نشین به دلیل حضور طالبان می پردازند، غیرقابل تحمل می باشد. حضور فعال طالبان در این مناطق نه تنها که زندگی مردم را از لحاظ مالی و جانی تهدید می کند، بلکه معارف و آینده ی این مردم را نیز به چالش می کشد؛ طوری که امروز در خیلی از ولسوالی های کشور دروازه های مکتب ها بسته اند و از رفتن دختران به مکتب ممانعت می شود. موجودیت این همه چالش ها ناشی از سیاست های ناسنجیده ی رییس جمهور پیشین، آقای کرزی، در مقابل این گروه می باشد. بنابراین، انتظار می رود که آقای اشرف غنی نباید راهی را که آقای کرزی با تمام توان دنبال می کرد، ادامه بدهد. بهتر است که راه کارهای منطقی، مؤثر و به دور از مسایل عاطفی و تباری طرح نماید، تا کشور از این همه مصیبت نجات یابد. مسئله ی دیگر این که آقای کرزی در زمان

حکومت وحدت ملی بعد از جنجال های انتخاباتی در کشور ایجاد شد. اساس و بنیاد این حکومت را «تقسیم مساویانه ی قدرت» میان دو دسته ی انتخاباتی تشکیل می دهد. این توافق ضمن این که منجر به ایجاد یک حکومت جدید شد، شکست و ناکامی روند انتخابات و دموکراسی نوپای افغانستان که با هزینه های زیادی از سوی مردم افغانستان و جهانیان شکل گرفته بود را نیز به دنبال داشت. آن چه در این توافق و ایجاد حکومت وحدت ملی ملحوظ می باشد، رضایت و حمایت مردم افغانستان و جهانیان از این حکومت است و مطمئناً که این حمایت ها خالی از خواست ها و مطالبات از رهبران حکومت وحدت ملی نمی باشند. بی مورد نخواهد بود که برای رهبران حکومت وحدت ملی که بر اساس یک توافق پنجاه-پنجاه در رأس حکومت قرار گرفته اند، چند مورد از مشکلات جدی که دامن گیر مردم افغانستان می باشد، به بحث گرفته شوند و رهبران حکومت وحدت ملی مسئولیت دارند که به آن توجه نمایند.

تبعیض و استخدام کارمندان بر اساس وابستگی های تباری-خویشاوندی

این کار، یکی از جدی ترین چالش ها و موانع به منظور داشتن یک اداره ی کارا و پاسخ گو می باشد. پس از ایجاد کمیسیون مستقل اصلاحات اداری، استخدام کارمندان حکومتی از طریق این کمیسیون صورت می گیرد. در اصل محور کاری این کمیسیون را استخدام افراد مسلکی و متخصص از طریق رقابت آزاد تشکیل می دهد؛ اما در این مدت نه تنها کسی به اساس این اصل در اداره های دولتی استخدام نشد، بلکه این کمیسیون جفای بزرگی به مردم افغانستان در طول چند سال گذشته کرده است. طوری که با سرپوش گذاشتن قانون خدمات ملکی، بی عدالتی های زیادی را مرتکب شده است؛ چنان چه که حضور بعضی از اقلیت های قومی در اداره های حکومتی، صفر است. به طور نمونه گفته می توانم که حضور هزاره ها و ازبک ها در اکثر اداره های حکومتی، به سه درصد هم نمی رسد. این یکی از دلایلی است که حکومت افغانستان نتوانست در طول سیزده سال صاحب یک اداره ی کارا، پاسخ گو و مؤثر شود. هم چنان این امر یکی از دلایل درج نام افغانستان در صدر فهرست کشورهای فاسد جهان است. حال لازم است که آقای محمد اشرف غنی شعار دوران کمپاین انتخاباتی اش (هیچ افغان از افغان



تیری هانری اعلام بازنشستگی کرد

رديولز و البته تيم ملی فرانسه تشکر کنیم. آن‌ها باعث شدند که من دوران بازی فوق‌العاده‌ای داشته باشم. اکنون زمان آن رسیده که یک دوره حرفه‌ای متفاوتی را آغاز کنم و مایلم اعلام کنم که به لندن بازخواهم گشت تا به شبکه اسکای اسپورترس ملحق شوم. امیدوارم بتوانم بخشی از دیدگاه‌ها، مشاهدات و تجربیاتم را که در طول این سال‌ها یاد گرفتم، به شما منتقل کنم.»

دیگر نمی‌خواهد به دوران حرفه‌اش ادامه بدهد و به جای آن، می‌خواهد به عنوان کارشناس با شبکه‌ی اسکای اسپورترس همکاری کند. او در سایت رسمی‌اش نوشت: «بعد از ۲۰ سال حضور در دنیای فوتبال، تصمیم گرفتم تا از فوتبال حرفه‌ای کناره‌گیری کنم. این یک سفر شگفت‌انگیز برای من بود و مایلم از همه‌ی طرف‌داران، هم‌تیمی‌ها و اعضای باشگاه‌های موناکو، یوونتوس، آرسنال، بارسلونا و نیویورک

تیری هانری، ستاره‌ی سابق آرسنال و تیم ملی فرانسه، به دوران حرفه‌ای پرافتخارش پایان داد. این مهاجم باتجربه که قراردادش با باشگاه نیویورک رديولز به پایان رسید، تصمیم گرفت از دنیای فوتبال خداحافظی کند. او بعد از شکست خوردن نیویورک رديولز در نیمه‌نهایی رقابت‌های MLS اعلام کرده بود که به همکاری‌اش با این باشگاه پایان خواهد داد؛ اما در مورد آینده‌اش تصمیم نگرفته بود. اما دیشب اعلام کرد که

گرت بیل: گولم به اتلتیکو، از گولم به بارسا مهم‌تر بود

در بارسلونا حضور داشته‌ای و بازی در ال کلاسیکو را تجربه کرده‌ای. (لینه‌کر سه گول در یک بازی به ریال زده بود) و می‌دانی که گول زدن در این بازی چه اهمیتی دارد. با این حال، گولی که به اتلتیکو در فاینل لیگ قهرمانان زد، برای من ارزش بیش‌تری دارد. در ادامه، لینه‌کر از بیل در مورد شرایطش در ریال مارید پرسید. پاسخ بیل چنین بود: «همه‌چیز عالی است و ارتباط بسیار خوبی بین من و سایر هم‌تیمی‌هایم وجود دارد. شرایط ریال هم در این فصل بسیار عالی است. تنها مشکل من فقط زبان است که سعی دارم حلش کنم.»

لینه‌کر در این لحظه به اسپانیایی از بیل پرسید که وضع زبانت هنوز بهتر نشده؟ که بیل نیز با خنده و به اسپانیایی جواب داد: زبان بسیار دشواری است.

گرت بیل، ستاره‌ی ولزی ریال مادرید، فصل گذشته نمایش‌های بی‌نظیری در این تیم ارائه داد و در این فصل نیز بازی‌های خوب و تأثیرگذاری را از او شاهد بوده‌ایم. دوشنبه «گری لینه‌کر»، ملی‌پوش سابق انگلستان و بازیکن سابق تیم‌های تاتنهام و بارسلونا، به عنوان مجری مراسم انتخاب برترین‌های سال بریتانیا از سوی BBC، ارتباط مستقیمی با گرت بیل که همراه ریالی‌ها در مراکش به‌سر می‌برد (برای حضور در جام جهانی باشگاه‌ها) برقرار کرد و در این ارتباط زنده از وی در مورد شرایطش در فوتبال اسپانیا سوالاتی را مطرح کرد.

گرت بیل در پاسخ به سوالی در مورد دو گول سرنوشت‌سازش در فصل گذشته گفت: «گول من به بارسا در فاینل کوپا دل ری، گول خاصی بود. خودت (اشاره به لینه‌کر)

په‌په: ۲۰۱۴ را با یک جام ارزشمند تمام می‌کنیم

بازیکنان دنیا در ریال حضور دارند. مقابل کروزارول بود تا در صورت پیروزی، به فاینل جام جهانی باشگاه‌ها راه یابد. دوشنبه شب په‌په به نمایندگی از سایر بازیکنان ریال در نشست خبری مربوط به این بازی شرکت کرد و گفت: «در ابتدا باید از مردم خوب مراکش و استقبال فوق‌العاده‌ی آن‌ها تشکر کنم. چه در میدان هوایی و چه در هتل ما را سورپرایز کردند. با حمایت همین هواداران، شانس خودمان برای پیروزی مقابل کروزارول را امتحان می‌کنیم. بازیکنان ریال به معنای واقعی باهم متحد هستند. چه ۱۱ بازیکن درون زمین و چه بازیکنانی که روی نیمکت هستند. مجموعه‌ای از بهترین

ریال مادرید قرار بود دیشب در مراکش به مصاف کروزارول برود تا در صورت پیروزی، به فاینل جام جهانی باشگاه‌ها راه یابد. دوشنبه شب په‌په به نمایندگی از سایر بازیکنان ریال در نشست خبری مربوط به این بازی شرکت کرد و گفت: «در ابتدا باید از مردم خوب مراکش و استقبال فوق‌العاده‌ی آن‌ها تشکر کنم. چه در میدان هوایی و چه در هتل ما را سورپرایز کردند. با حمایت همین هواداران، شانس خودمان برای پیروزی مقابل کروزارول را امتحان می‌کنیم. بازیکنان ریال به معنای واقعی باهم متحد هستند. چه ۱۱ بازیکن درون زمین و چه بازیکنانی که روی نیمکت هستند. مجموعه‌ای از بهترین

خشم اهالی بوندسلیگا از اظهارات اخیر برایتنر

هالندی تنها فردی نبود که خشم خود را از گفته‌های برایتنر ابراز کرد. رییس باشگاه کلن هم به «بیلد» گفت: «من واقعا نمی‌توانم حدس بزنم سی یا چهل سال پیش چه اتفاقی افتاده است، که یک تیم این‌طور رو به جلو می‌تازد؛ طوری که کلن و بقیه تیم‌ها به گرد پیش هم نمی‌رسند. ولی هرچه هست، قطعاً سادگی محض است که آن را به ناتوانی سایر تیم‌ها ربط بدهیم.»

توماس آیشین، مدیر وردربرمن هم گفت: «بایرنی‌ها از جایگاه خاص خود که برای به‌دست آوردنش به‌سختی کار کرده‌اند، بالاترین استفاده را می‌کنند. ولی این بدان معنا نیست که بقیه ناتوان هستند. حرفی که زده شده، بی‌احترامی است. مدیر ورزشی بورسیا موشن گلاباخ فرد دیگری بود که واکنش نشان داد: «بایرن تیم خوبی دارد که حاصل زحمات هویس و رومنیگه است، نه برایتنر.» مربی ولفسبورگ اما در نهایت خون‌سردی فقط گفت: «با این وضعیتی که پیش آمده، حتماً پل (برایتنر) فردا به من زنگ خواهد زد، ولی فکر کنم شماره‌ام را ندارد.»

اظهارات پل برایتنر، ستاره‌ی سابق تیم ملی آلمان، در تحقیر رقبای بایرن مونیخ، واکنش‌هایی را به‌دنبال داشت. پل برایتنر، نماینده‌ی فعلی باشگاه بایرن، کسل‌کننده بودن بوندسلیگا را تقصیر تیم‌های دیگر دانست و گفت: «ما برای ناتوانی تیم‌های دیگر نمی‌توانیم کاری بکنیم.»

دیروز هوب استیونس، سرمربی حال حاضر تیم اشتوتگارت که سابقه‌ی هدایت شالکه، هرتا، کلن و هامبورگ را هم در کارنامه دارد، در واکنش به اظهارات برایتنر گفت: «او در این فوتبال چه می‌خواهد؟ من او را می‌شناسم. زمانی که در براون‌شوایگ توپ می‌زد، روبه‌روی هم بازی کرده‌ایم. از آن زمان خیلی گذشته است. من در فوتبال باقی ماندم، ولی او چه؟ واقعا چه کار می‌کند؟ من که نمی‌دانم. او چطور از بیرون گود می‌تواند قضاوت کند که در تیم‌های دیگر چه می‌گذرد؟ من از بیرون گود تنها می‌توانم بگویم که بایرن مونیخ سال‌هاست در بهترین شرایط کار کرده که مهم‌ترین بخش موفقیت آن‌ها برمی‌گردد به اولی هویس». البته این مربی باسابقه‌ی

کونته: خودم را مدیون یوونتوس می‌دانم



آنتونیو کونته، سرمربی تیم ملی ایتالیا که به عنوان مربی سال فوتبال این کشور انتخاب شد، خود را مدیون باشگاه یوونتوس دانست. کونته که فصل گذشته توانست برای سومین سال پیاپی یوونتوس را قهرمان سری A کند، دوشنبه شب در مراسم اهدای جوایز بهترین‌های فوتبال ایتالیا، جایزه‌ی مربی سال را از آن خود کرد.

او در تابستان گذشته به دلیل اختلاف با مدیران یوونتوس، از این باشگاه جدا شد و هدایت تیم ملی ایتالیا را برعهده گرفت؛ اما هم‌چنان خود را مدیون باشگاه تورینی می‌داند. او به خبرنگاران گفت: «این یک اتفاق فوق‌العاده بود که توانستم سرمربی تیم ملی ایتالیا شوم. من همه چیزم را با مدیون بازیکنان و باشگاه یوونتوس هستم. رابطه ام با یوونتوس در حال حاضر؟ معمولی. در تلاشیم تا برای سال جدید با آن‌ها جلسه‌ای ترتیب بدهیم؛ ضمن اینکه این هفته از باشگاه‌های پارما، چزه نا و ساسولو دیدار می‌کنیم.

هدایت تیم ملی ایتالیا یک تجربه سازنده است. می‌خواهم یک همکاری سازنده با مربیان باشگاهی داشته باشم. احساس می‌کنم که در گذشته یک نقص در این رابطه وجود داشت و اکنون می‌خواهم با یک پل این رابطه را درست کنم. تا چند ماه قبل، من در سمت دیگر این رابطه بودم. می‌دانم که مربیان باشگاهی چه می‌خواهند و هدف من این نیست که فاصله‌ای قابل توجه بین باشگاه‌ها و تیم ملی ایجاد کنم. این چیزی است که فوتبال ایتالیا و تیم ملی به آن نیاز دارد و در این صورت همه راضی‌تر خواهند بود.»

روز دوشنبه قرعه‌کشی مرحله‌ی یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا برگزار شد و یوونتوس در این مرحله باید با بورسیا دورتموند روبه‌رو شود. کونته در مورد این قرعه گفت: «این قرعه‌ی خوبی است و دیدار فوق‌العاده‌ای خواهد شد. هر دو تیم بسیار سازمان یافته هستند و انتظار یک دیدار جذاب را می‌کنم. به عنوان یک ایتالیایی، دوست دارم یوونتوس پیروز شود.»

کیلور ناواس: ریال نباید مغرور شود

کنیم. این تیم نمی‌تواند اشتباه کند و باید تمرکزمان را به طور ۱۰۰ درصد حفظ کنیم. هر پیروزی را می‌توان جشن گرفت و از برد خوشحال بود؛ البته می‌دانیم که در یک باشگاه بزرگ بازی می‌کنیم؛ جایی که همیشه باید برای قهرمانی جنگید. هر دیداری ما را به هدف‌مان نزدیک‌تر می‌کند. بازی کردن در ریال هیجان‌انگیز است. این یک رویا برای هر بازیکن است. وقتی چنین رویایی به حقیقت تبدیل شد، دشوار است که بخواهیم آن را توضیح بدهیم.»

کیلور ناواس، دروازه‌بان ریال مادرید از هم‌تیمی‌هایش خواست که به‌خاطر پیروزی‌های پیاپی‌شان مغرور نشوند و در هر بازی تمرکزشان را حفظ کنند. ریالی‌ها که در ۲۰ دیدار اخیرشان به پیروزی رسیدند، دیشب در نیمه‌نهایی جام باشگاه‌های جهان مقابل کروزارول مکسیکو قرار گرفت. ناواس معتقد است اگر تمرکزشان را حفظ نکنند، ممکن است مقابل هر حریفی شکست بخورند. او به خبرنگاران گفت: «ما باید برای هر دیدار کاملاً آماده شویم و تمرکزمان را حفظ

پیگرینی: بارسا هم نمی‌خواست با سیتی روبه‌رو شود

فاصله‌ی زیادی با حذف نداشت؛ اما دو برد در دو دیدار پایانی، صعود آن‌ها را رقم زد. پیگرینی هم تأیید کرد که تیمش برای صعود با مشکل مواجه شد. «ما در گروه بسیار دشوار قرار داشتیم. گروهی که قهرمان آلمان، انگلیس و روسیه به همراه نایب قهرمان ایتالیا در آن بودند. ما شروع خوبی نداشتیم و فکر می‌کنم در چند دیدار به مشکل خوردیم؛ به ویژه مقابل زسکا مسکو، اما در نهایت صعود کردیم.»

پیگرینی در مورد تجربه‌ی کار در انگلیس هم گفت: «بعد از سال‌هایی که در اسپانیا داشتم، این تجربه‌ی متفاوتی است. من در اسپانیا در سه باشگاه کار کردم و خطرات فوق‌العاده‌ای از آن‌ها دارم؛ اما مهم بود که کار در یک لیگ دیگر را تجربه کنم. از منجسترسیتی پیش‌نهاد داشتم و متأسفانه پروژه‌ی مالاگا هم نمی‌توانست ادامه پیدا کند. تردیدی در قبول پیش‌نهاد سیتی نداشتیم؛ زیرا سیتی باشگاهی بزرگ با دورنمایی فوق‌العاده است.»

مانویل پیگرینی، سرمربی باشگاه منجسترسیتی معتقد است که مربیان بارسلونا هم از اینکه در مرحله یک هشتم نهایی چمپیونزلیگ با آن‌ها روبه‌رو شدند، راضی نیستند. قرعه‌کشی مرحله‌ی یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا روز دوشنبه برگزار شد و منجسترسیتی مانند فصل گذشته باید در این مرحله با بارسلونا روبه‌رو شود. آبی‌ها سال گذشته با شکست ۴-۱ مقابل بارسا در مجموع دو دیدار از رقابت‌ها کنار رفتند و پیگرینی معتقد است که این قرعه، برای هردو تیم نامطلوب است. او به خبرنگاران گفت: «بارسا حریف دشواری است؛ اما نمی‌دانیم آن‌ها حریف دشواری برای ما هستند یا ما برای آن‌ها، بازی باید در زمین انجام شود. شاید ما نمی‌خواستیم با آن‌ها روبه‌رو شویم؛ اما آن‌ها هم نمی‌خواستند با ما روبه‌رو شوند. اما قرعه‌کشی انجام شد و اکنون ما باید یک بازی خوب ارائه بدهیم.» سیتی در چهار دیدار ابتدایی‌اش در مرحله‌ی گروهی، تنها ۲ امتیاز کسب کرده بود و

کاپلو: ریال از سیاره‌ی دیگری آمده است

دیدار است. آن‌ها همه‌چیز دارند. آن‌ها خوب دفاع می‌کنند، خط میانی فوق‌العاده‌ای دارند و بازیکنان بی‌نظیری در خط حمله دارند. آن‌ها احتمالاً یکی از بهترین تیم‌های تاریخ هستند.» کاپلو هم چنین در مورد بارسا صحبت کرد و گفت: «یک سرمربی همیشه شرایط تیمش را بهتر از بقیه می‌داند و به‌دنبال یافتن راه‌حلی برای مشکلات است و این که بازیکنان را در پستی قرار بدهد که برای‌شان مناسب‌تر است. اما به نظر من، سوارز به درد بازی در کنارها نمی‌خورد. او یک گولزن مادرزاد است که در کنارها، ۵۰ درصد قابلیت گولزنی‌اش را از دست می‌دهد. او نیاز دارد که در نوک حمله بازی کند. سوارز یکی از بهترین مهاجمان دنیاست و به همین دلیل، فکر می‌کنم که انریکه به‌دنبال راه‌حلی برای تاکتیک‌هایش باشد.»

فابیو کاپلو، سرمربی ریال مادرید با ستایش از تیم کارلو آنچلوتی، آن‌ها را یک ماشین توصیف کرد. کاپلو که در حال حاضر هدایت تیم ملی روسیه را برعهده دارد، معتقد است که در حال حاضر، شاگردان آنچلوتی بهتر از هر تیم دیگری در دنیا بازی می‌کنند. او به خبرنگاران گفت: «مهم‌ترین مسئله این است که دست‌آوردهای آن‌ها از ابتدای فصل را در نظر گرفت. می‌توان گفت که سایر تیم‌ها در سطح ریال نیستند. ریال یک ماشین است و سایرین، فقط تیم هستند. سایر تیم‌ها هم بازیکنانی با کیفیت دارند؛ اما به اندازه‌ی ریال، شکست‌ناپذیر نیستند. آن‌ها از سیاره‌ی دیگری آمده‌اند. امسال کارلو آنچلوتی فوق‌العاده کار کرده و تیمی ساخته که باور دارد بهترین هستند. ریال سخت به‌دنبال پیروزی در هر

توزیع: مؤسسه جلوه
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته سه، سرک دهم
قیمت: ۱۰ افغانی
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
سردبیر: بشیر یآوری
دبیر خیر: نجیب الله نصیح
ویراستار: بسم الله محبت
صفحه آرا: هادی دریابی

انتقاد از افزایش دیوارهای امنیتی در کوچه‌های کابل



اطلاعات روز: شماری از اعضای مجلس سنا از ایجاد دیوار سمنتی به دلیل تدابیر امنیتی رهبران سیاسی، مقام‌های دولتی و برخی از اعضای شورای ملی انتقاد کردند و گفتند که به همین دلیل، اکثر کوچه‌ها در کابل مسدود اند. آنان با انتقاد شدید تأکید کردند که این مسئله مشکلات جدی را برای گشت‌وگذار شهروندان کابل به وجود آورده است.

در برخی از کوچه‌های کابل که رهبران سیاسی و مقام‌های بلندرتبه‌ی دولتی زندگی می‌کنند، برای تدابیر امنیتی آنان، دیوارهای سمنتی بزرگ ایجاد شده و مردم عام از آن محل عبور نمی‌توانند. شهروندان برای رفتن به خانه‌هایشان باید از کوچه‌های دیگری بروند که آن مسیر برای آنان چند برابر دورتر می‌شود.

شماری از اعضای مجلس سنا در نشست دیروز این مجلس با انتقاد از این کار گفتند که حکومت موانع را از کوچه‌ها بردارد و در استراتژی تأمین امنیت شهر کابل تجدید نظر کند. بسم‌الله افغانمل، عضو این مجلس گفت که یک کوچه هم در شهر کابل باز نیست؛ همه‌ی مقام‌ها کوچه‌ها را با ایجاد دیوارهای سمنتی مسدود کرده‌اند.

او افزود که مقام‌ها صرف به فکر تأمین امنیت خودشان اند. اما شماری دیگر از اعضای مجلس برای بهبود وضعیت امنیتی شهر کابل، خواستار محدودیت در گذشت‌وگذار موتورسایکل‌سواران شدند. بازمحمد زرمتی، عضو این مجلس گفت که برای حکومت پیش‌نهاد شود تا از این پس موتورسایکل‌سواران در کابل دو نفری گشت‌وگذار نکنند.

او افزود که وضع قیودات بر موتورسایکل‌سواران در شهرهای دیگر نتیجه‌ی مثبت داده و این تدابیر برای کنترل ناامنی‌ها در شهر کابل به حکومت پیش‌نهاد شود. سپس فضل‌هادی مسلم‌یار، رئیس مجلس سنا این پیش‌نهاد را در مجلس به رای گذاشت که به‌جز دو سناتور، همه با آن موافقت کردند.

قرار است مجلس سنا در این زمینه پیش‌نهاد رسمی‌ای را به جانب حکومت بفرستد. این پیش‌نهاد در حالی صورت گرفت که چندی پیش، رئیس دبیرخانه‌ی دادگاه عالی کشور هنگام بیرون شدن از خانه‌ی خود، توسط افراد مسلح موتورسایکل‌سوار کشته شد و مهاجمان موفق به فرار شدند.

با این حال، سناتوران گفتند، اگر موتورسایکل حامل یک نفر باشد، عمل ترور به‌آسانی انجام داده نمی‌شود. پس از تشکیل حکومت وحدت ملی وضعیت امنیتی در شهر کابل به‌شدت وخیم شده و اعضای شورای ملی تأکید دارند، شماری از جاسوسان بیرونی و طالبان در داخل نهادهای امنیتی نفوذ دارند و دولت باید در زمینه‌ی شناسایی آنان اقدام کند.

اشرف غنی:

شرایط جهانی را برای تأمین صلح فراهم کردیم



آینده، کابینه‌ی جدید با چهره‌های نو بر مبنای یک قرارداد که با آن‌ها صورت می‌گیرد، به کار آغاز خواهد کرد. اگر قرارداد را به انجام نرسانیدند، با آن‌ها خدا حافظی می‌کنیم».

رئیس جمهور در مورد صلح نیز گفته است که وجبیه‌ی بنیادی، انسانی و ملی ما برقراری صلح پایدار است. این وطن بدون صلح پایدار بوده نمی‌تواند. اشرف غنی می‌گوید که بدون همکاری علمای دینی، شخصیت‌های جهادی و بزرگان قومی در کشور صلح برقرار نمی‌شود.

او تأکید کرده است، باید صلحی را برقرار کنیم که پایدار باشد و برای آوردن صلح اگر سرم نیز قربان شود، قربانی این وطن باد! رئیس جمهور گفت که اختلاف سیاسی باید در کشور از طریق صحبت و مذاکره حل شود: «مشکلاتی که در مذاکره حل می‌شوند، به واسطه‌ی تفنگ حل نمی‌شوند».

در حین سفر رئیس جمهور به ولایت پکتیکا، شماری از باشندگان این ولایت در پیوند به بی‌کفایتی مقام‌های این ولایت تظاهرات کردند. معترضان از اشرف غنی خواستند که مقام‌های ملکی و نظامی پکتیکا را از وظایف‌شان برکنار کند. به گفته‌ی آنان، بی‌کفایتی، فساد و عدم مدیریت سالم مقام‌های این ولایت، باعث افزایش ناامنی و عدم پیشرفت ولایت پکتیکا شده است.

که بر اثر آن بیش از ۶۰ تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. اشرف غنی دیروز در دیدار با بزرگان قومی، علمای دینی، اعضای جامعه‌ی مدنی و جوانان پکتیکا حمله بر ورزشکاران و کودکان در ولسوالی یحیی‌خیل این ولایت را به‌شدت محکوم کرد و از حمایت حکومت از قربانیان این حادثه اطمینان داد. او وعده داد که برای بهبود وضعیت ولایت پکتیکا، در سطح رهبری این ولایت تغییرات لازم را به میان می‌آورد.

از سوی هم، در خبرنامه‌ی ارسالی دفتر رسانه‌های ریاست جمهوری به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است، رئیس جمهور در مورد کابینه‌ی جدید گفت: «تا دو هفته‌ی

اطلاعات روز: محمد اشرف غنی، رئیس جمهور کشور می‌گوید که شرایط جهانی برای تأمین صلح در افغانستان را مهیا کرده و به‌زودی نتیجه‌ی مثبت خواهد داد. او تأکید کرد که برای برقراری صلح پایدار در کشور با رییس‌ان جمهور کشورهای همسایه و تعدادی از کشورهای دیگر به‌طور جداگانه گفت‌وگو کرده است.

اشرف غنی این اظهارات را در سفر دیروزش به ولایت پکتیکا بیان کرد. او در این سفر از خانواده‌های قربانیان رویداد اخیر ولسوالی یحیی‌خیل آن ولایت بازدید کرد. چند هفته پیش در ولسوالی یحیی‌خیل پکتیکا در جریان مسابقه‌ی والیبال یک فرد انتحاری مواد انفجاری حاملش را انفجار داد

برای فعال ساختن:
در صفحه پیام 3G نوشته و به ۱۵۲ ارسال نمانید

با افغان بیسیم سرعت واقعی 3G را تجربه نمانید
Experience the true speed 3.75G+

۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ یا ۱۵۲
www.afghan-wireless.com

افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS